

درس هشتاد و دوم – نگاهی به damit در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | نوامبر 27, 2018

سلام دوستان

در این درس گرامری می خواهیم با هم با **damit** و نحوه کاربرد آن در زبان آلمانی بیشتر آشنا شویم. البته در دروس گذشته به طور پراکنده به آن پرداخته ایم اما در این درس می خواهیم تمام کاربردها و مفاهیم آنرا نیز مورد بررسی قرار بدهیم.

اجازه بدهید قبل از هر چیز به معانی **damit** در زبان فارسی بپردازیم

damit

با آن ، به آن وسیله ، تا این که ، تا آن که ، به این منظور که

ما در زبان آلمانی چند نوع **damit** داریم که همین امر باعث شده است که این واژه یا کلمه در جاهای مختلف و زمان های مختلف کاربردی متفاوت نیز داشته باشد.

برای مثال چنانچه ما حرف اضافه **mit** را به همراه یک فعل ، یا صفت داشته باشیم ، آنگاه اگر بخواهیم به حرف اضافه ما مجددا رجوع کنیم ، آنگاه با اضافه کردن **da** به حرف اضافه **mit** ما **damit** را می سازیم ، لطفا برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید :

فعل **beschäftigen** که به معانی زیر است :

مشغول بودن ، شاغل بودن ، به کسی کاری دادن

که هرگاه فعل **beschäftigen** به همراه حرف اضافه **mit** در جمله بیاید ، آنگاه به معنی : خود را با چیزی مشغول کردن و به آن پرداختن

Er beschäftigt sich viel **mit** den Kindern

تفکر آلمانی : او (مذکر) خود را با بچه ها خیلی مشغول میکند

تفکر فارسی : او (مذکر) با بچه ها خیلی سر و کله میزند

که این سر و کله زدن منظور این است که بچه ها را سرگرم میکند و به آنها توجه و رسیدگی نیز میکند.

حال اگر بخواهیم به حرف اضافه جمله دوباره رجوع کنیم ، آنگاه نیاز داریم که به mit حرف da را نیز اضافه کنیم تا به damit برسیم

Er beschäftigt sich viel mit den Kindern, damit sie sehr zufrieden sind

تفکر آلمانی : او (مذکر) خود را با بچه ها خیلی مشغول میکند □ به آن وسیله آنها (بچه ها) خیلی شاد و خوشحال هستند.

تفکر فارسی : او (مذکر) با بچه ها خیلی سر و کله میزند ، به خاطر همین بچه ها خیلی شاد و خوشحال هستند.

یا اینکه : او (مذکر) با بچه ها خیلی سر و کله میزند ، توسط همین (سر و کله زدن) بچه ها خیلی شاد و خوشحال هستند.

پس یکی از کاربردهای damit این است که ما بخواهیم به حرف اضافه mit که یا به همراه فعل جمله یا به همراه صفت آمده است ، رجوع کنیم.

سوال : اینکه می گوئیم mit به همراه فعل یا صفت آمده است یعنی چه؟

در زبان آلمانی بعضی از افعال و همچنین صفت ها به همراه حروف اضافه می آیند ، یا به عبارتی افعال و صفت های ما با توجه به وجود حرف اضافه در جمله معنا و مفهوم میگیرند.

از آنجایی که این مباحث بسیار مهم هستند ، دو بخش جداگانه به همراه بیش از ۴۰ درس را در همین راستا به روی سایت قرار داده ام ، شما می توانید از آدرس های زیر به این دو بخش دسترسی داشته باشید.

افعال به همراه حروف اضافه در زبان آلمانی

صفت ها به همراه حروف اضافه در زبان آلمانی

در ادامه یک مثال برای damit به همراه صفت ها میزنیم که اولین مفهوم و کاربرد damit کاملاً قابل درک شود.

ما می توانیم همین فعل beschäftigen را با حذف en و اضافه کردن حرف t به آن ، به یک صفت تبدیل کنیم

صفت beschäftigt به مفهوم : مشغول

Er ist seit zwei Stunden **damit beschäftigt**, den Wasserhahn zu reparieren

تفکر آلمانی : او به مدت ۲ ساعت **توسط آن مشغول** است ، شیر آب را تعمیر بکند

نکته : هرگاه حروف اضافه جدیدی همانند : **daran, davon, darüber, dafür** و ... را داشتیم ، اول توسط آنها یک اتفاق را تعریف میکنیم و بعد از آن دلیل وقوع آن اتفاق را توضیح میدهیم اما در فارسی برعکس آنرا عمل میکنیم.

تفکر فارسی : او ۲ ساعت است که مشغول تعمیر کردن آن است.

خارج از این درس : بد نیست بدانید که ما می توانیم از فعل beschäftigen به دو اسم نیز برسیم

Der/ Die Beschäftigte شاغل

چنانچه بخواهیم در مورد مذکر بکار ببریم از حرف تعریف **der** و اگر بخواهیم در مورد مونث بکار ببریم آنگاه از حرف تعریف **die** استفاده میکنیم

Die Beschäftigung شغل ، حرفه ، اشتغال

و اما ادامه درس :

یکی دیگر از کاربرد های **damit** این است که به عنوان (تا) مورد استفاده قرار بگیرد

Schreib es dir auf, **damit** du es nicht wieder vergisst

تفکر آلمانی : آنرا برای خودت یادداشت کن ، **تا** دوباره آنرا فراموش نکنی

تفکر فارسی : به جا اونو برای خودت یادداشت کن تا دوباره فراموشش نکنی

در واقع در اینجا damit در نقش (تا) بکار برده شده است

Erklärung : Viel tun, **damit** man ein Ziel erreicht

شرح : کارهای زیادی انجام دادن **تا توسط آنها** آدم یک هدفی را به دست بیاورد

اما (تا) در زبان آلمانی نیز انواع مختلفی دارد که برای درک این مبحث ، پیشنهاد میکنم جزو زیر را مطالعه کنید.

مفهوم (تا) در زبان آلمانی (کلیک کنید)

هرگاه معنی **برای آنکه** □ **برای اینکه** یا (تا اینکه) را بدهد :

Ich nehme dicke Socken mit, **damit** ich keine kalten Füße bekomme

من آن جوراب کلفت را بر میدارم ، **برای اینکه** پاهام یخ نکند

Ich gehe jetzt besser ins Bett, **damit** ich morgen früh nicht müde bin

من بهتر است الان (بروم) به تخت خواب ، **برای اینکه** فردا صبح زود خسته نباشم

Wir müssen reservieren, **damit** wir noch einen Zeltplatz bekommen

ما باید رزرو کنیم ، **تا اینکه** ما هم یک جایی در محل چادر ها به دست بیاوریم

فرض کنید که یک جشن بزرگ خیابانی در حال برگزاری است ، همانطور که میدانید معمولاً به دلیل بارندگی در این نوع جشن ها ، چادرهای بزرگی در نظر گرفته می شود که درون آنها میز و صندلی چیده شده است ، در واقع der Zeltplatz یک جا یا یک محل نشستن در این چادرهاست یا اینکه همایش و کنسرت های چند روز در محل های مخصوص برگزار می شود که در اطراف آن ، آدم می تواند خودش چادر بزند و بدون اینکه هزینه هتل بدهد چند شب در چادر بخواهد ، در زبان آلمانی به محل های که ما اجازه زدن چادر را داریم der Zeltplatz گفته می شود.

نکته گرامری : هر گاه **damit** همانند سه مثال بالا در نقش (برای اینکه ، برای آنکه ، تا اینکه) آمده ، آنگاه فعل بخش دوم جمله به انتها جمله می‌رود.

دیگر کاربردها :

Ich hoffe, rechtzeitig **damit** fertig zu werden

امیدوارم که به موقع **آنها** به پایان برسانیم یا به موقع آنها آماده و مهیا بکنیم

Was meinen Sie **damit**?

چه منظوری از **بیان آن** دارید؟

gleich ist sie **damit** fertig

او (مونث) الان **آنها** تمام میکند

Damit hatte er nicht gerechnet

او (مذکر) حساب **اینرو** نکرده بود

Er nahm das Paket und ging **damit** zur Post

او آن پاکت را برداشت و با (آن پاکت) به اداره پست رفت

Er nahm eine Eisenstange und brach **damit** die Tür auf

او یک میله فلزی (دیلم) را برداشت تا توسط آن یا به وسیله آن ، اون درب را با زور باز کند

کاربرد در اصطلاحات :

Weg damit!

بگیر اینرو و ببر بنداز دور

Heraus damit!

راستش رو بگو! ، بگو دیگه اونرو!

مثلا کسی یک رازی را پنهان کرده است و ما از آن با خبر شده ایم حالا می خواهیم که راستش را بگوید.

و یک ضرب المثل در همین رابطه :

Du kannst ein totes Pferd beschlagen, aber reiten kannst du damit trotzdem nicht

تو می تونی به یک اسب مُرده نعل بکوبی ، اما با این وجود نمی تونی از اون سواری بگیری یا سوارش بشی

چنانچه شما نیز در این ارتباط با damit سوال ، مثال یا توضیحاتی دارید ، می توانید آنرا برای استفاده دیگران در بخش نظرات همین درس درج کنید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :